

# دورانی که تحجر و دروغ به هر نامی مجاز می شود!

وظیفه خود می دانم که در پایان شش سال مسئولیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از بذل محبت و ابراز مساعدت مستمر همه همکاران و همراهان عزیز و ارجمند در وزارت و دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، در دولت و مجلس محترم شورای اسلامی، در حوزه های فرهنگی و سیاسی و مطبوعاتی صمیمانه تشکر کنم. اکنون که به حکم وظیفه دینی، اجرایی و سیاسی خود را ملزم به کناره گرفتن از این مسئولیت دیدم و برای ایستادن بر سر عهد خود در خدمت به توسعه علمی کشور، پیشبرد برنامه های اصلاحات و دفاع از کيان دانشگاه و حرمت دانشگاهیان و دانشجویان راهی جز استعفا نیافتم، خود را بیش از پیش در معرض الطاف فراوان دیدم که به واقع خود را شایسته آن نمی دانم. لطف و محبت بی شائبه ریاست محترم جمهور، همکاران گرامی در دولت و نمایندگان ارجمند مجلس، استادان گرانقدر و دانشجویان عزیز، روسای محترم دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، معاونان، مدیران و کارکنان و کارمندان سختکوش وزارت، احزاب، شخصیت ها و تشکل های سیاسی و علمی و فرهنگی و صنفی، مطبوعات و رسانه های جمعی در این مرحله به واقع برای اینجانب فراموش نشدنی و درس آموز است.

صادقانه می گویم، گرانباترین سرمایه اینجانب از این دوران تلخ و شیرین، برخورداری از دوستی های ماندگار و بی ریا در حوزه اندیشه و علم و در عرصه اجرا و عمل است. در دورانی که دروغ و تهمت و تحقیر و تحجر به هر بهانه و نامی مجاز می شود، درک واقعی دردها و دغدغه هایی برای اعتلای نام اسلام و ایران و انقلاب اسلامی و نیز مغتنم شمردن فرصت هایی محدود برای تحقق توسعه علمی، اقتدار قانونی نظام دانشگاهی و پاسداشت سرمایه های معنوی و انسانی کشور، نعمت بزرگی است. امیدوارم بتوانم شایستگی اندکی در برخورداری از نعمت این حسن ظن بیابم. در پیشگاه خداوند از قصورها و تقصیرهای خود در انجام وظیفه طی این مدت پوزش می طلبم و امیدوارم همه همکاران و همراهان عزیز و ارجمند به سهم و حق خود این کوتاهی ها را ببخشند. از خداوند بزرگ می خواهم که به همه ما در همه جا و همه عرصه ها توفیق خدمت به اسلام و ایران، پاسداری از میراث گرانقدر حضرت امام خمینی (ره) و شهیدان گرانقدر و پیشبرد علمی کشور و تلاشهای اصلاح طلبانه دولت و مردم را عنایت فرماید.

با آرزوی توفیق

دکتر مصطفی معین

# متن نامه خاتمی در پذیرش استعفای معین

توسعه‌ای و جایگاه ایران در روند پرشتاب تحولات علمی و فناوری جهانی جست و جو کرد.

واقعیت این است که از یکسو تعدد مراجع تصمیم گیرنده و به ویژه تداخل مسوولیت‌ها با شورای عالی انقلاب فرهنگی، سوءظن‌ها، دخالت‌ها و تعرض‌های نهادها و شوراها، غیر مسوول یا غیر پاسخگو، فرصت کار و تلاش مفید و موثر را به میزان قابل توجهی از وزارت و دولت سلب کرده و از سوی دیگر حریم مقدس دانشگاه، منزلت، حرمت و امنیت فکری و اجتماعی دانشجویان، استادان و دانشگاهیان و به طور کلی جوانان، متفکران و فرهیختگان در معرض تنگ نظری، کژاندیشی، تجاوز و خشونت قرار گرفته است.

در چنین شرایطی روشن است که انگیزه‌ها، اهداف و برنامه‌هایی که پذیرش مسوولیت را در سال‌ها ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ برپایه کارشناسی، بینش اعتقادی و تجارب مدیریتی توجیه می‌کرد دیگر موضوعیت خود را از دست داده و ادامه همکاری و پاسخگویی به مسوولیت‌های خطیر و مشترک را با فرض وجود کارایی، فاقد اثر بخشی و مشروعیت کرده است.

بنابراین، ضمن تقدیم استعفای خود با تجدید ارادات و ابراز همدردی صمیمانه با جنابعالی و تاکید مجدد بر ضرورت پیشبرد دیدگاه‌های فکری، اجتماعی و اصلاح طلبانه‌ای که مطرح فرموده‌اید. امیدوارم که به فضل خدای تعالی با عبور از دشواری‌ها، مانع تراشی‌ها و بحران‌سازی‌ها در مسیر تحقق خواسته‌های تاریخی ملت بزرگ ایران و آرمان‌های بلند شهدای انقلاب اسلامی توفیق یابید اطمینان داشته باشید که در عرصه دانشگاه همچنان به عنوان دوستی ارادتمند و همراهی وفادار خواهم بود و در خدمت به مردم، جوانان و جامعه دانشگاهی و پیشبرد اندیشه امام خمینی (ره) که مبشر آگاهی، عدالت، آزادی معنویت و استقلال این کشور است در حد توان دریغ نخواهم داشت.

«مصطفی معین» وزیر علوم، تحقیقات و فناوری که سرانجام پس از گذشت حدود یک ماه مورد موافقت «سید محمد خاتمی» رئیس جمهوری قرار گرفت به شرح زیر است:

با تقدیم سلام و احترام، پیرو مذکرات مکرر گذشته و نامه‌های مورخ ۸۷/۱۰/۱۱ و ۸۲/۰۳/۱۱ که حضوراً تقدیم گردید، مجدداً از حسن اعتماد، اظهار لطف و عنایت خاصی که طی همکاری در دو دوره دولت نسبت به اینجانب مبذول داشته‌اید ممنون و سپاسگزارم.

تایید می‌فرمایید که متناسب با وظایف، تعهدات و مسوولیت‌های قانونی، ضروری است که اختیار و اقتدار سازمانی نیز وجود داشته باشد، موضوعی که به هیچ وجه در وضعیت کنونی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصداق ندارد و چشم انداز روشنی نیز در روند نافرجام تحول در ساختار مدیریت علوم و فناوری، تحقق استقلال و آزادی علمی دانشگاه و توسعه علمی و فناوری کشور مشهود نیست.

اینجانب در طول مسوولیت همواره تلاش داشتم که برای انجام تعهدی که آن را نقطه محوری و کلیدی برای توسعه علمی کشور می‌دانستم با همه مسائل صبورانه برخورد نمایم و تمامی کم‌مهری‌ها، تحمیل‌ها و حتی بی‌انصافی‌ها، اتهام‌ها، هتاک‌ها و رفتارهای به دور از اخلاق، منطقی و جوانمردی را در فضای مسموم و تنش‌آلود سیاسی کشور قابل تحمل دانستم اما اکنون با از میان رفتن تلاش‌های به عمل آمده که در جهت ایفای به عهد و به کار بستن تجربه‌ای نو برای پیشبرد علم و فناوری و توسعه منابع انسانی به عنوان اساس و محور توسعه متوازن و پایدار کشور بوده است، تداوم این وضعیت را غیر قابل قبول می‌دانم.

در این شرایط آموزش عالی کشور در نظام ارزشگذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی از جایگاه و اقتدار شایسته و در خور، برخوردار نیست واقعیتی که ابعاد نگران‌کننده‌تر از آن را باید در چشم اندازه‌های

سید محمد خاتمی رئیس جمهوری، ضمن موافقت با استعفای دکتر مصطفی معین وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، جعفر میلی منفرد را به عنوان سرپرست این وزارتخانه برگزید.

رئیس جمهوری در نامه‌ای خطاب به معین با اشاره به علاقه مندی خود برای ادامه همکاری با وی تصریح کرد: با تاسف فراوان، با استعفای شما موافقت می‌کنم، با این امید که دانش، تجربه، شایستگی و تدبیر شما به گونه مناسب دیگری مددکار باشد.

متن کامل نامه رئیس جمهوری به شرح زیر است:

«کاردانی، تعهد، دلسوزی و تلاش ارجمند جنابعالی از آغاز پیروزی انقلاب تا کنون بر هیچ منصفی پوشیده نیست. همراهی و همکاری شما چه در کابینه‌های دولت پیشین و چه به عنوان همکاری عزیز و شایسته در دو دوره دولت فعلی برای من مغتنم و مدیریت شما در عرصه آموزش عالی منشا خیرات و برکات فراوان بوده است.

همت و تلاش و پیگیری در خور تقدیرتان در ساماندهی جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نوید آینده بهتر را در هر سه عرصه می‌دهد، که امیدوارم با رفع مشکلات پیش آمده و تامین و تحقق خواست شما که به صلاح کشور و نظام دانشگاهی و آموزشی، پژوهشی است تحقق یابد.

علاقه مند بودم کاری که با هم آغاز کرده‌ایم را با هم به پایان ببریم، ولی تقدیر حکم دیگری داشت و علی‌رغم اشتیاق و اصرار من، انتخاب موجه جنابعالی چیز دیگری بود، من نیز با تاسف فراوان با استعفای شما موافقت می‌کنم، با این امید که دانش، تجربه، شایستگی و تدبیر شما به گونه مناسب دیگری مددکار باشد».

در عین حال سید محمد خاتمی رئیس جمهوری، مصطفی معین، وزیر پیشین علوم، تحقیقات و فناوری را به عنوان مشاور خود منصوب کرد.

گفتنی است متن کامل استعفای دکتر

# چالش‌های آموزش عالی در ایران

## سخنرانی افتتاحیه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در هشتمین اجلاس مشترک هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور

«والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»

حضور اعضای محترم هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور را در این نشست ارزنده صمیمانه ارج می‌گذارم. امروز تصمیم داریم که در جمع دانشمندان، متفکران ارجمند، مسوولان و مدیران دانشگاهی کشور به بیان صورت مساله یا پرسش‌ها و چالش‌های مقدری که در حوزه آموزش عالی و پژوهشی با آن‌ها روبه‌رو هستیم و بر آن اساس به سیاست‌ها و راهبردهای مورد نظر بپردازیم. ما اصل مهمی در علم طب داریم که «تشخیص درست، آغاز و مقدم بر درمان است» و به گفته محققان علوم اجتماعی هم «تعریف درست مساله، نیمه راه حل است»، البته علاوه بر درستی «تشخیص» و «تعریف مساله» اهمیت زمان را هم در پرداختن به «درمان» باید مدنظر داشت. خدای تعالی هم با مقدس دانستن زمان به آن سوگند می‌خورد، تا انسان به اعتبار آن از روزمرگی که نتیجه آن «خسران» و بی‌حاصلی است، بیرون آید. «ایمان»، «عمل صالح» و «تواصی به حق و تواصی به صبر» به عنوان عمل جمعی، تنها عواملی هستند که می‌توانند فرصت‌ها و زمان مقدس را در خدمت پیشرفت انسان و جامعه قرار دهند.

بدون تردید جامعه ما با مسائل فراوانی روبه‌رو است، که بسیاری از آن‌ها ریشه تاریخی و اجتماعی- فرهنگی دارند. اما نمی‌توانیم تردید کنیم که هم سرچشمه دردها در توسعه نیافتگی علمی است و هم آغاز درمان آن‌ها در توسعه علمی. به تعبیر زیبای حضرت رسول اکرم (ص) «العلم لقاح المعرفة»- دانش آبستن شناخت و

معرفت است- و ما برای بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه‌ها بیش از همیشه نیازمند توسعه علمی هستیم. هر فرد و جامعه‌ای به تناسب دانایی خود زندگی می‌کند. مضایق و تنگناها در زندگی اجتماعی و اقتصادی برخاسته از ضعف در توسعه علمی و توسعه نیافتگی در همه زمینه‌ها و این یعنی یک ضرورت برآمده از بینش دینی ما و یک واقعیت تحقق یافته در جهان و جامعه ما و یک واقعیت تحقق یافته در جهان و جامعه ماست.

پیامبر اکرم (ص) در مقام مقایسه می‌فرماید: «العلم خیر من المال، العلم یحرسک وانت تحرس المال»- دانش بهتر از مال است، دانش نگهبان توست ولی تو نگهبان مال هستی- (تصنیف غرر الحکم، ص ۴۸) امروز هم نه در شعار، بلکه در چشم اندازه‌های واقعی جهانی سخن از جابه‌جایی قدرت به اعتبار «دانایی» است، یعنی جایگزینی دانش به جای زور و سرمایه و محوری شدن «دانش» در مناسبات ملی، منطقه‌ای و جهانی و اعتبار یافتن علم و فناوری در تعیین جایگاه جهانی هر کشور و اقتدار آن. پس بپذیریم که راهبرد «توسعه علمی شرط بقا کشور»، خواست و برنامه یک بخش و یا فقط دستگاه علمی کشور نباید باشد، بلکه باید یک درک و «عزم ملی» باشد.

صرف توجه به فضایل علم و حتی پذیرش الزامی آن منجر به توسعه علمی نمی‌شود؛ توسعه علمی به معنای اتکالی جامعه به روش و دانش عقلانی و علمی برای حل مسائل زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که به رغم معطوف بودن به مسائل اجرایی، دارای زمینه‌های نظری و پایداری هم

هست. علم باید عملاً برای ما معنا بیابد و در منظومه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ما، هم در سطوح اجرایی و هم در سطوح عمومی قرار گیرد و این میسر نمی‌شود مگر آن‌که لوازم و مقتضیات آن هم پذیرفته شود.

برای تحقق توسعه علمی باید زمینه تولید علمی را فراهم کنیم و بدانیم که تولید علمی یکی از نشانه‌های مهم آفرینش فرهنگی و حیات در جهان امروز است که تنها در یک مجموعه و منظومه خلاق صورت می‌گیرد. مساله علم را بدون توجه به مساله فرهنگی و منزلت اجتماعی آن نمی‌توان حل کرد. نازایی علمی در جوامع توسعه نیافته محصول رکود فرهنگی و اجتماعی آن‌هاست و باید برای درمان این نازایی به باروری فرهنگی و اجتماعی فکر کرد. تعبیر حضرت پیامبر (ص) را تکرار کنیم که «دانش» بارورکننده «معرفت» است و اگر جامعه‌ای به باروری علمی رسید یعنی علم و دانش علمی در آن منزلت یافت، می‌توانیم مطمئن باشیم که راه بر رفع مشکلات بنیادی آن کشور نیز گشوده شده است.

در طلیعه تدوین برنامه چهارم توسعه هستیم. در این برنامه به درستی «توسعه مبتنی بر دانایی» برای ترسیم چشم‌اندازهای توسعه‌ای کشور برگزیده شده است، حال باید متناسب با این نیاز به تجربه‌های خود و ضرورت‌های جهانی و اجتماعی توجه کنیم.

علاوه بر سابقه درخشانی که در تمدن اسلامی و ایرانی وجود دارد. بیش از یک صد و پنجاه سال است که اندیشه پیشرفت علمی به صورت‌های گوناگون در کشور ما مطرح شده است، از تاسیس دارالفنون در

سال ۱۳۳۰ شمسی تاکنون فراز و فرودهای فراوانی در مسیر تحرک علمی ایران قابل مشاهده است، روشن است که دلیل تاسیس دارالفنون به وسیله امیرکبیر، پی بردن به اهمیت همین رویکرد علمی است، بنابه نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه:

«امناى دولت مقرر داشتند، تعليم خانه‌اى بسازند که علوم و صنايع در آنجا تعليم و تعلم شود». واقعیت این است که علی‌رغم این سابقه روشن در توجه به اهمیت علم و تحرک برای نیل به آن، اقداماتی از این دست که امیرکبیر آغاز کرد گسسته ماند و تجربه‌ها تا این زمان به همدیگر متصل نشد و در نتیجه صورت مساله همچنان باقی ماند.

فراموش نکنیم که توسعه در جوامعی نظیر ما از توسعه علمی آغاز می‌شود و اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت ما هم توسعه می‌یابد. قریب یک صد سال پیش مرحوم علامه علی‌اکبر دهخدا مساله اصلی را در کشور ما «علم و آدم» یا به تعبیر امروزی توسعه علمی و منابع انسانی می‌داند و ما هم امروز همان مساله را به عینه می‌بینیم.

انقلاب اسلامی به واقع سرفصل مهمی برای پرداختن بنیادی به بیماری مزمن توسعه نیافتگی علمی بود. اندیشه راهگشای حضرت امام (ره) که دانشگاه را «مبدا تحولات جامعه» می‌دانست و حتی در بحبویه جنگ اهتمام به رفع مسائل نهاد دانشگاه را در راس امور کشور قلمداد می‌کرد، فرصتی مغتنم برای پیشبرد امر توسعه علمی بود.

پیدایش فرصت اصلاحات و ظرفیت‌های جدیدی که پس از حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶ برای کشور به وجود آمد، امکان این تحرک را بیشتر کرد و انصاف این است که قدم‌های موثری در مسیر شکوفایی علمی، آموزشی و پژوهشی کشور برداشته شد. در عین حال باید بپذیریم که فرصت کمی برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ و بنیادی در زمینه تحول و توسعه علمی داریم. این امر هم نه یک موضوع سلیقه‌ای و نه یک خواست بخشی و نه یک اصرار بی‌وجه شخصی است. باید به جمع‌بندی تجارب موفق و ناموفق خود در دوران معاصر بپردازیم. این یک ضرورت است که به چشم اندازه‌ها و رویکردهای جهانی توجه کنیم و براساس همه آن‌ها برای پیش‌بردن یک برنامه علمی به صورت ملی و فرابخش اقدام کنیم.

سه مساله اصلی ۱- «تجدید ساختار علمی کشور» ۲- «رفع اقدامات موازی» که تنها حاصل آن فرسایش منابع معنوی و مادی کشور است و سوم «توجه به حرمت و منزلت نهاد دانشگاه و دانشگاهیان و دانشجویان»، از بدیهی‌ترین لوازم و مقتضیات تحرک و توسعه علمی است. پیش از هر تفسیری درباره این ضرورت‌ها لازم است به رهیافت‌ها و تجربه‌های جهانی و ملی فارغ از هر برداشت سیاسی رو آوریم. توسعه علمی زمینه‌ها و اقتضائاتی دارد. هر جا و در هر زمان که به رسمیت شناخته شده، محقق می‌شود و در هر جا که مانعی بر سر راه آن به وجود آید متوقف خواهد شد. هر گاه این سه موضوع را مسائلی ملی، فراتر از دانشگاه، فراتر از وزارت علوم و حتی فراتر از دولت دانستیم می‌توانیم امیدوار باشیم که چرخه توسعه علم و فناوری کشور به راه افتاده است ولی هر گاه که عبور زمان و از دست رفتن فرصت‌ها را در توجه به این مسائل احساس نکردیم، بدانیم که سرمایه‌های بزرگی را از دست داده ایم:

«سرمایه تجربه ملی، سرمایه اعتماد ملی و سرمایه انتخاب ملی را» (تفسیر عینی، والعصر ان الانسان لفی خسر). از دست دادن فرصت‌های توسعه علمی خسارتی است که حاصل آن بیش از امروز، در فردای جامعه قابل مشاهده است.

با این نگاه مهمترین چالش پیش روی نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری ایران «کسب منزلت فرهنگی، حقوقی، اجرایی و ساختاری» است. تحولات پرشتاب علم و فناوری در جهان و نقش ممتاز دانشگاه، دانشگاهیان و دانشجویان در ساختار کنونی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ما ایجاب می‌کند که این چالش مهم را به عنوان یک واقعیت گریز ناپذیر بپذیریم و ابعاد آن را هم در زمینه آموزش عالی و هم در زمینه تحقیقات و فناوری روشن کنیم. تردید نکنیم که روش‌های رایج نه تنها به توسعه علمی نمی‌انجامد بلکه در سطح وضع موجود هم نمی‌تواند دانشگاه و مرکز تحقیقاتی را اداره کند.

ما نیازمند «تحول در بینش، تحول در روش و تحول در ساختارهای علوم، تحقیقات و فناوری کشور» هستیم. کافی است نگاهی به نارسایی‌های مهمی که از همین چالش اساسی نشأت می‌گیرد داشته باشیم: ما امروز بیش از همیشه به «استقلال و آزادی علمی دانشگاه‌ها» و «توجه به

سرمایه‌های علمی کشور» نیازمندیم. نارسایی‌ها و چالش‌های اساسی نظام علوم، تحقیقات و فناوری و راهبردها و سیاست‌های متناظر با آن را بخش‌های مختلف این وزارت هم در ارتباط با برنامه سوم توسعه و هم در پیوند با چشم‌اندازهای برنامه چهارم توسعه که هم اکنون مورد بررسی است تبیین کرده‌اند. من تنها به اعتبار شاعران این نشست ارزنده و محدودیت وقت فقط به عناوین این «راهبردها و سیاست‌ها و مسائل و چالش‌های در پیش رو» اشاره می‌کنم:

۱- ضرورت «تحول در نظام سیاستگذاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، حل مساله مراکز تصمیم‌گیری و مسیرهای موازی و فراقانونی متعدد و نیز اقدام برای مبتنی ساختن ساز و کارهای سیاستگذاری بر اساس ارزیابی‌ها علمی و کارشناسی

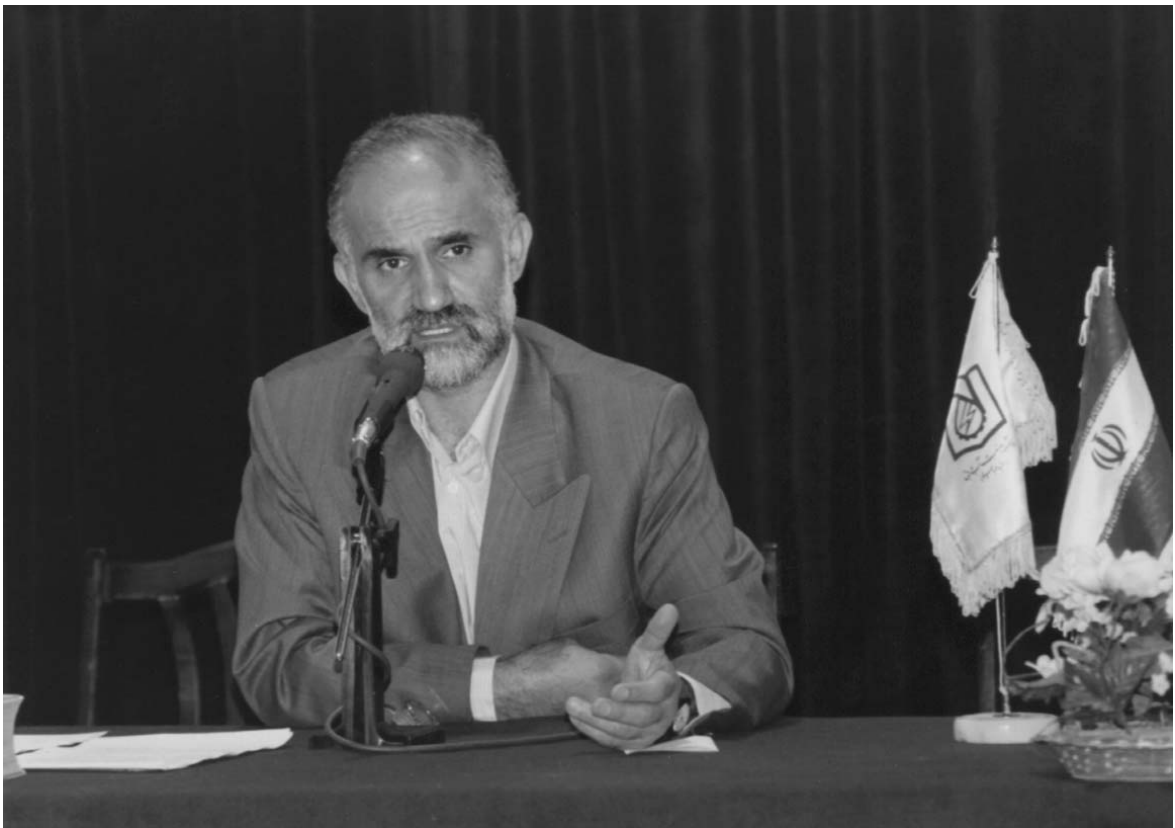
۲- ضرورت ساماندهی و یکپارچگی آموزش عالی کشور در عین تمرکز زدایی از طریق تسهیل امور اجرایی و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و اهتمام به مقوله «استقلال دانشگاه».

۳- ضرورت توجه به مقتضیات فرهنگی و سیاسی برای رشد دانش و تفکر و «منزلت بخشی به علم، عالم و مراکز عملی» در فضای اجتماعی و مدیریتی و تغییر نگرش مبتنی بر سوءظن عدم اعتماد و برخورد‌های خشن نسبت به نهاد دانشگاه، دانشجویان و دانشگاهیان، از طریق بالا بردن سطح مدارا و تحمل و پذیرش قواعد و لوازم دانشگاهی.

۴- ضرورت شفاف نمودن فرآیندها و پاسخگویی مراجع مسوول در برابر نارسایی‌ها و عدم موفقیت‌ها از طریق «تمرکز در سیاستگذاری و عدم تمرکز در امور اجرایی»

۵- ضرورت «فراهم آوردن محیط حقوقی مناسب» و اصلاح قوانین و مقررات و سازمان و تشکیلات حاکم بر نظام آموزش عالی و تحقیقات از طریق تحول در معیارهای عمومی حقوقی و حقوق اداری مبتنی بر تمرکزگرایی و دیوان‌سالاری.

۶- ضرورت توسعه اختیارات هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و نهادی کردن آن‌ها، تحقق «آزادی علمی و استقلال اداری مالی و تشکیلاتی» برای اعمال مدیریت و بهره‌وری مطلوب و متناسب با ماموریت‌های آموزشی و



پژوهشی و التزام اجتماعی دانشگاه.

۷- ضرورت «پاسخگویی به موج فزاینده تقاضای اجتماعی» آموزش عالی ناشی از تحول ساختار جمعیتی کشور که با عبور از نقطه اوج جمعیت ۲۴-۱۸ سال در ۱۳۸۳، کم و بیش تا سال ۱۴۰۰ ه'ش ادامه خواهد یافت.

۸- ضرورت فراهم آوردن «دسترسی برابر» و به دور از هر گونه تبعیض به تحصیلات عالی که متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی در جامعه و محدودیت منابع و ظرفیت های آموزش عالی است.

۹- ضرورت حفظ «موازنه کیفیت و کمیت در آموزش عالی» با توجه به ضرورت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی با تامین منابع مالی و امکانات و رفع کمبود هیات علمی

۱۰- تاثیر پذیری تمامی شئون فردی و اجتماعی از تحولات پرشتاب علم و فناوری که ضرورت ارتقای سطح سواد عمومی به آموزش عالی و تحقق «راهبرد جهانی آموزش عالی و تحقق» راهبردهای جهانی آموزش عالی همگانی و مادام العمر را پیش می آورد (با تنوع بخشی آموزش عالی، بهره گیری از فناوری های پیشرفته اطلاعاتی و اطلاع رسانی و گسترش آموزش های نیمه حضوری و از راه دور،

(درونی و بیرونی) به منظور تداوم بهبود شاخص های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

۱۱- ضرورت بازنگری و «ارزیابی مستمر برنامه های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی» دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در جهت انطباق بیشتر با رهیافت های نوین علم و فناوری جهانی، شرایط جامعه بومی و نیاز بازار کار

۱۲- ضرورت ارایه روز آمد «آموزش های حرفه ای و تخصصی» به مدیران، فناوران و کارگزاران در بخش های مختلف تولیدی، خدماتی و مدیریتی باتوجه به شتاب دم افزون چرخش اطلاعاتی علمی و کاهش نیمه عمر دانش و مهارت های تخصصی و فنی کاربران

۱۳- ضرورت بازنگری ضوابط سنجش و شیوه های متمرکز «پذیرش دانشجو» متناسب با شرایط آموزش و پرورش عمومی و در جهت ارتقای کیفیت و کارایی درونی دانشگاه

۱۴- ضرورت توجه بیشتر به «پرورش خلاقیت، نوآوری، مهارت و کارآفرینی» در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی و تقویت تحقیقات دانشگاهی

۱۵- ضرورت تدوین و بکارگیری «نظام جامع و کارآمد نظارت و ارزیابی

۱۶- ضرورت «پیش بینی امتیازات و تسهیلات مادی و معنوی» در چارچوب طرح کارایی اعضای هیات علمی بر پایه حضور تمام وقت و موثر آموزشی و پژوهشی و نیز تامین امکانات رفاهی و معیشتی کارکنان و دانشجویان

۱۷- ضرورت پاسداشت و نگهداشت استادان، محققان، استعداد های درخشان، دانشمندان جوان و «سرمایه های علمی کشور» و بالا بردن ضریب اعتماد و امید در دانشگاه

۱۸- ضرورت «ارتقای سطح تفکر و خردورزی»، معرفت دینی و التزام اجتماعی در عرصه دانشگاه و بالا بردن قدرت انتخاب، نقد و خودباوری در میان دانشجویان و دانشگاهیان از طریق جلب مشارکت نظری و علمی آنان

۱۹- ضرورت «تنوع بخشی به درآمدهای دانشگاه ها و مراکز پژوهشی» و افزایش سهم آن از بودجه سالانه با ارایه خدمات پژوهشی و آموزشی، دریافت بخشی از هزینه های تحصیلی از دانشجویان و دانش آموختگان، جلب مشارکت بیشتر بخش خصوصی در تامین

۷- ضرورت «پاسخگویی به موج فزاینده تقاضای اجتماعی» آموزش عالی ناشی از تحول ساختار جمعیتی کشور که با عبور از نقطه اوج جمعیت ۲۴-۱۸ سال در ۱۳۸۳، کم و بیش تا سال ۱۴۰۰ ه'ش ادامه خواهد یافت.

۸- ضرورت فراهم آوردن «دسترسی برابر» و به دور از هر گونه تبعیض به تحصیلات عالی که متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی در جامعه و محدودیت منابع و ظرفیت های آموزش عالی است.

۹- ضرورت حفظ «موازنه کیفیت و کمیت در آموزش عالی» با توجه به ضرورت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی با تامین منابع مالی و امکانات و رفع کمبود هیات علمی

۱۰- تاثیر پذیری تمامی شئون فردی و اجتماعی از تحولات پرشتاب علم و فناوری که ضرورت ارتقای سطح سواد عمومی به آموزش عالی و تحقق «راهبرد جهانی آموزش عالی و تحقق» راهبردهای جهانی آموزش عالی همگانی و مادام العمر را پیش می آورد (با تنوع بخشی آموزش عالی، بهره گیری از فناوری های پیشرفته اطلاعاتی و اطلاع رسانی و گسترش آموزش های نیمه حضوری و از راه دور،

(درونی و بیرونی) به منظور تداوم بهبود شاخص های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

۱۱- ضرورت بازنگری و «ارزیابی مستمر برنامه های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی» دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در جهت انطباق بیشتر با رهیافت های نوین علم و فناوری جهانی، شرایط جامعه بومی و نیاز بازار کار

۱۲- ضرورت ارایه روز آمد «آموزش های حرفه ای و تخصصی» به مدیران، فناوران و کارگزاران در بخش های مختلف تولیدی، خدماتی و مدیریتی باتوجه به شتاب دم افزون چرخش اطلاعاتی علمی و کاهش نیمه عمر دانش و مهارت های تخصصی و فنی کاربران

۱۳- ضرورت بازنگری ضوابط سنجش و شیوه های متمرکز «پذیرش دانشجو» متناسب با شرایط آموزش و پرورش عمومی و در جهت ارتقای کیفیت و کارایی درونی دانشگاه

۱۴- ضرورت توجه بیشتر به «پرورش خلاقیت، نوآوری، مهارت و کارآفرینی» در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی و تقویت تحقیقات دانشگاهی

۱۵- ضرورت تدوین و بکارگیری «نظام جامع و کارآمد نظارت و ارزیابی

منابع مالی، احیا و گسترش موقوفات و نیز «بهبود مدیریت منابع مالی آموزش عالی» با توجه به کاهش هزینه سرانه دانشجویی به یک سوم سال ۵۶ در ۱۳۸۰ (افزایش بودجه آموزش عالی دولتی به میزان ۷/۸ برابر با تعدیل اثرات تورمی در مقایسه با رشد ۴/۸ برابری تعداد دانشجویان طی ۲۴ سال گذشته در بخش دولتی).

۲۰- ضرورت حمایت از شکل‌گیری و گسترش «نهادهای مدنی دانشجویی و دانشگاهی» در عرصه‌های عملی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در دانشگاه‌ها و تقویت انجمن‌های علمی- تخصصی و انجمن‌های دانش‌آموختگان در جهت تقویت پیوندها و تعامل اجتماعی آموزش عالی

۲۱- ضرورت پیگیری و تکمیل «طرح جامع توسعه آموزش عالی» بر پایه آمایش سرزمین و برنامه‌های توسعه کشور

۲۲- ضرورت موضوعیت و محوریت یافتن مقوله «توسعه علمی» به عنوان اساس و محور توسعه متوازن و پایدار کشور و به عنوان «عزم ملی» هم در سطوح نظری و هم در سطوح اجرایی

۲۳- ضرورت افزایش اعتبارات پژوهشی، متناسب با زمینه‌های بالقوه داخلی و شاخص‌های جهانی (به میزان حداقل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور از منابع دولتی و خصوصی)

۲۴- ضرورت تخصیص اعتبارات پژوهشی بر پایه اولویت‌ها و راهبردهای توسعه کشور و میزان «کارایی و اثربخشی کارکرد دستگاه‌ها»

۲۵- ضرورت «اصلاح قوانین و مقررات مالی و اداری» به منظور تسهیل در استفاده از امکانات و اعتبارات موجود و تقویت انگیزه‌های مادی و معنوی پژوهشگری

۲۶- ضرورت ایجاد زمینه‌ها و تسهیلات مناسب برای «افزایش نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های پژوهشی»

۲۷- ضرورت اصلاح قوانین حمایت از «حقوق مالکیت معنوی» متناسب با نیازهای توسعه فناوری و به منظور تشویق نوآوری و حفظ حقوق نوآوران

۲۸- ضرورت پیش‌بینی از «طرح‌های پژوهشی مشترک» میان دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی

۲۹- ضرورت توسعه تحصیلات تکمیلی، «تقویت قطب‌های علمی» و دانشگاه‌های پژوهشی، آزمایشگاه‌های

ملی، پارک‌ها علم و فناوری مراکز رشد و تمرکز فعالیت‌ها در زمینه‌های اولویت‌دار ۳۰- ضرورت توسعه و «تقویت شبکه

ملی اطلاع‌رسانی علمی» به منظور رفع نیازهای علمی و فناوری، توزیع اطلاعات و نتایج تحقیقات و ایجاد هماهنگی میان مراکز مختلف علمی و اجرایی

۳۱- ضرورت «نظارت بر روند توسعه فناوری» از طریق گسترش و تقویت فناوری‌های بومی، جذب و بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی و بهره‌گیری بیشتر از توان علمی- فنی و مهندسی کشور و کاهش وابستگی به خارج

۳۲- ضرورت به‌کارگیری نتایج طرح جامع از نیروی انسانی متخصص (طرح نیازسنجی- موضوع تبصره- ۳۶ برنامه دوم توسعه) در جهت افزایش بهره‌وری در آموزش و تامین متخصصان و «بهبود ترکیب تخصصی نیروی انسانی» در ساختارهای کار و اشتغال کشور

۳۳- ضرورت تنوع بخشی و گسترش «ارتباطات و همکاری‌های علمی و بین‌المللی» و کاهش فاصله‌های علمی با جوامع توسعه یافته.

۳۴- ضرورت برنامه‌ریزی و مراقبت به منظور تداوم روند صعودی تولید «انتشارات علمی و پژوهشی بین‌المللی» از سوی دانشمندان و دانش‌پژوهان ایرانی و احراز جایگاه شایسته و متناسب با جمعیت کشور.

من بحث فشرده‌ای از راهبردها و سیاست‌های متناسب با چالش‌های پیش‌روی نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری کشور را خدمت شما تقدیم کردم تا نهاد معتبر و محوری «هیات‌های امانا» و یکایک اعضای آن‌ها که در دانش، بینش و تجربه صاحب نظر و ملجا و مرجع توجه به مسائل و موضوع‌های بنیادی این بخش‌ها هستند عنایت باز هم بیشتری به مسائل و سیاست‌های آموزش عالی کشور داشته باشند. مطمئناً ما در کشور برای غلبه بر این مشکلات و پیگیری طرح‌ها و برنامه‌ها، منابع و سرمایه‌ها و ابزارهای مناسب هم داشته‌ایم و داریم، اما مهم این است که فرصت‌ها و تهدیدها را در حد و اندازه خود دریابیم. تجربه‌ها در کشور ما گران به دست می‌آید و لذا نباید ارزان از دست دهیم. برای نیل به توسعه همه‌جانبه کشور ناگزیر هستیم که تحلیل‌های خود از چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها را به واقعیت نزدیک کنیم: اگر

ضرورت و سرعت تحول ساختار علوم، تحقیقات و فناوری و اقتدار نظام علمی کشور، ضرورت آزادی و امنیت پایدار محیط دانشگاه و ضرورت حرمت و منزلت نسل دانشگاهی و متفکر و دانشجو و جوان را مورد تردید قرار دهیم یا آن‌ها را به حد مسائل یک بخش یا یک قشر یا یک دستگاه اجرایی تنزل دهیم، مطمئن باشیم که نه تنها به چشم اندازه‌های آینده نیندیشیده‌ایم بلکه در حل و فصل مسائل و چالش‌های پیش‌روی جامعه نیز درمانده‌ایم. باید این مسائل را در پیوند و در تعامل با یکدیگر بدانیم و گمان نکنیم که می‌توانیم ضرورت‌های سیاسی و ضرورت‌های اجرایی را منفک از همدیگر در نظر بگیریم.

این‌ها دردها و دغدغه‌های مشترک همه کسانی است که بالتزام دینی و اجتماعی و با درک و تجربه کارشناسی به امروز و فردای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی می‌اندیشند و حقیقتاً پیش‌بردار اصلاحات، تحولات ساختاری و حفظ سرمایه‌های اجتماعی را فرصتی برای جبران عقب‌ماندگی‌های تاریخی می‌دانند. امیدواریم هیات‌های محترم امانا نیز به سهم خود با اهتمام به این دغدغه‌ها و دردها و تلاش برای پاسخگویی به این چالش‌ها فرصتی ارزنده برای توسعه علمی کشور فراهم سازند. از توجه و عنایت شما متشکرم و از تصدیق و اطاله کلام پوزش می‌خواهم، از محضر همگی خداحافظی می‌کنم، از زحمات و عنایات بی‌دریغ و حسن ظن شما نسبت به دانشگاه و آموزش عالی تشکر می‌کنم برای تیمن عرایض را با ابیاتی از خواجه عارف و فرزانه شیراز که دوست عزیز می‌باشم به عنوان تفال برای اینجانب گرفته بود به پایان می‌برم.

سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی  
خطاب آمد که واصل شو به الطاف خداوندی  
دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است  
بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی  
قلم را آن زبان نبود که سرعشق گوید باز  
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی  
در این بازار اگر سودی است بادرویش خرسند است  
خدایا مصمم گردان به درویشی و خرسندی  
«همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم»

# اگر فرهنگ جمعی بر فرهنگ فردی غلبه کند بسیاری از مشکلات فرهنگی دانشجویان خارج رفع می شود.

از جمله مسائلی که دانشجویان بورسیه خارج از کشور با آن روبرو هستند، مساله فرهنگی است. بدون شک اهمیت این مساله از سایر مسائل دانشجویی کمتر نبوده و نیست. برای بررسی ابعاد مختلف این مساله با آقای دکتر هادی خانیکی معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری به گفتگو نشستیم که ماحصل آن در زیر می آید:

آقای دکتر چنان که می دانید دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور دارای مشکلات خاصی هستند و یکی از این مشکلات مساله فرهنگی است، شما به عنوان معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری این مساله را چگونه ارزیابی می کنید؟

مسائل فرهنگی دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور را نباید به عنوان یک بخش مستقل از دیگر مسائل مطرح کرد. چون که مقوله فرهنگ یک داد و ستد و یک تعامل پیوسته و جدی است که با دیگر مسائل اجتماعی، سیاسی، علمی، اقتصادی و... معنا پیدا می کند. به عبارتی مسائل فرهنگی دانشجویان، مقوله پیوسته ای از دیگر مسائل آنهاست و مهمترین آنها را می توان محصول تفاوت ها و تمایزهایی دانست که در زیست گون های دانشجویان بوجود می آید. به این صورت که دانشجویی از محیط های اجتماعی و فرهنگی با مشخصات خاص خود وارد محیط اجتماعی و فرهنگی جدیدی می شود. بنابراین هیچ کدام از این عناصر موجود در دوزیست گون از ارزش های فرهنگی آنها جدا نیست و حتی تفکیک و ادغام و یا هضم آنها ممکن نیست. لذا به طور عادی و طبیعی، تا دانشجویی در محیط جدید قرار بگیرد و وجوه تمایزها و تفاوت ها را بشناسد و آنها را برای خود جذب کند زمان می برد. اگر بخواهیم به

طور خاص به بخشی از این مسائل بپردازیم. باید ابتدا به درد غربت که خود یک پدیده اجتماعی، روانی و فرهنگی است اشاره کنیم. نا آشنایی هایی که از فرایند زندگی تحصیلی اجتماعی وجود دارد مثلا گاه بعضی از مسائل کوچک را می تواند به یک مساله بزرگ تبدیل کند مثلا ضعف پیوندهای جمعی و یا دوری از زندگی جمعی - که در میان ما ایرانیان نسبت به دیگر کشورهای در حال توسعه بارزتر است - همگی دلایل خاص تاریخی و فرهنگی دارند. بخشی دیگر از این مسائل کلان هستند. به طور کلی ضعف های که در بخش اول وجود دارد می تواند در افراد نیز تاثیر بگذارد. مثلا اتکا و اعتماد به نفس آنها را هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ جمعی کاهش دهد. به بیان دیگر این مسائل می توانند در مفهوم عام، منجر به کم دیدن خود فرد در مقابل دیگری شود، لذا این مسائل از جمله عوامل کلانی هستند که به عنوان مشکلات فرهنگی در جامعه دانشجویی ایرانیان خارج از کشور مشاهده می شود. چنان که گفتم بسیاری از این مشکلات ریشه تاریخی دارند و نمی توان گفت که آنها در خارج از کشور به وجود آمده و یا می آیند بلکه در آنجا این مسائل بروز پیدا می کند. برای نمونه بر اساس تحقیقاتی که انجام شده می بینیم که ضریب امیدواری فردی، نسبت به امیدواری جمعی، به آینده بالاتر است. همین تحقیقات نشان می دهد که امید فردی ۳۹ درصد و امید جمعی ۳۹/۵ درصد می باشد و این امر از یک نوع کم اعتمادی و یا عدم اعتماد و یا امیدوار نبودن و یا کم آملی افراد نسبت به خود حکایت می کند. بنابراین حاصل این امر چنین می شود که معمولا توانایی ها و قوت و قدرت هایی که در درون فرهنگ ها، دانشگاه ها و جامعه خودمان وجود دارد را کمتر از آن حد خود بینیم و متقابلا جنبه های مثبتی که در درون

فرهنگ جدید وجود دارند می توانند بیش از آنکه واقعی باشند دیده شوند. این ها همه شکافی بین تصور و واقعیت را نشان می دهند که خود یک مساله است. زیرا این شکاف به خود کم بینی یا خود ناباوری منجر می شود. اینها مسائل کلانی هستند که متأثر از زندگی فرهنگی و اجتماعی هر فرد ایرانی است و معمولا به همان نسبت که تحصیلات بالاتر می رود و دوران جوانی نزدیک تر می شود جنبه های منفی که در جامعه یا فرهنگ وجود دارد برجسته تر و بزرگ تر می شود و جنبه های مثبت آن کاهش می یابد و حاصل آن می تواند به یک نوع ضعف اعتماد به نفس و خودناباوری و حتی خودخستگی منجر شود. علاوه بر این، مسائل کلان دیگری که در عرصه فرهنگی و اجتماعی می توان مشاهده کرد این است که باید برای تعریف آنها از سازکارها و زبان علمی استفاده کرد و برای این کار باید از تحقیقاتی که هم در داخل و هم در خارج انجام شده کمک گرفت، چرا که به لحاظ تاریخی غلبه فرهنگ فردی بر جمعی و سوءظن و عدم اعتماد به دیگری قابل مطالعه است. همین طور باید ضرورت آمادگی برای نبرنگ ها احساس شود اگر به ادبیات فولکوریک خودمان نگاهی کنیم از چنین نبرنگ ها انباشته است. علاوه بر اینها مسائل خاص دیگری نیز برای دانشجویان مشکلاتی را ایجاد کرده است. از جمله آن ها مساله آموزش یا تحصیل فرزندان و همسر آن هاست و پیامدهایی، کمبودها و کاستی هایی که در راهنمایی تحصیلی وجود دارد. برخی از این مسائل می توانند تجربه کوچکی را در دانشجویان در بدو ورود به چگونه زندگی کردن، چگونه تحصیل کردن، چگونه خرید کردن و... ایجاد کنند که البته دولت می تواند به یک ساماندهی و سازماندهی جمعی در این امر اقدام کند.

به طور کلی در حقیقت باید فرد به

جدید روبرو هستند. با این چشم انداز است که باید متولی امور فرهنگی را پیدا کرد. متولی امور فرهنگی اگر در چارچوب ترسیم یک فرایند باشد. به عبارتی متولی فرهنگی دانشجویان به خصوص دانشجویان بورسیه خارج از کشور معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، اداره کل بورس و امور دانشجویان خارج، نمایندگان علمی هستند. چون که دانشجویان بیشتر به آنها مراجعه می کنند. متاسفانه دانشجویان بورسیه، بخشی از دانشجویان مادر خارج از کشور هستند در حالی که همه آنها دانشجویان این سرزمین هستند. چه آنهایی که با هزینه شخصی یا با استفاده از امتیازهای دانشگاه های دیگر به خارج رفته باشند. در نتیجه به دلیل کمبودها و کاستی های که وجود دارد ما تا کنون بیشتر به مسایل دانشجویان بورسیه پرداخته ایم و حتی مشکلی که دانشجویان غیر بورسیه به زبان می آورند و من خودم شاهد آن بوده ام کمتر توجه کرده ایم. و به عبارتی نوعی دوگانگی بین آنها وجود دارد. هم از لحاظ زندگی و هم به لحاظ مناسبات اجتماعی این دوگانگی مشاهده می شود. یعنی دانشجویان بورسیه و غیر بورسیه خیلی با همدیگر آمیختگی فرهنگی و اجتماعی ندارند و با نگاه یکسان به همدیگر نمی نگرند. اما آنچه که خوشبختانه وزارت علوم انجام داده این است که سعی کرده در مناسبات های مختلف از همین ۵ درصد بودجه ای که برای دانشجویان بورسیه اختصاص می یابد به صورت جمعی تر استفاده کند. بر پایه نشست های علمی که با دانشجویان چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور داشتیم همواره سعی کرده ایم تا حداقل منابع فرهنگی مورد نیاز آنها به صورت کتاب و CD تامین شود. البته به نظر من این اقدامات نسبت به مسایل و نیازهایی که دانشجویان دارند کم و ناچیز است اما این که از چه طریقی این مسایل باید سامان پیدا کنند فکر می کنم از سوی اداره کل بورس و امور دانشجویان خارج و نمایندگان علمی ما باید این مسایل حل شوند.

اما این کار محدود به این دو حوزه نیست. دستگاه های مختلف علمی و فرهنگی کشور باید این مسایل را از خودشان بدانند و در ارایه کمک پیش قدم شوند. این دستگاه ها از حوزه های وزارت علوم و وزارت بهداشت تا وزارت ارشاد، وزارت امور خارجه و وزارت آموزش و پرورش و سازمان فرهنگ و ارتباطات و... را شامل می شود. به طور کلی ابتدا باید



بشناسیم کافی است که بدانیم که چقدر از این عناصر یا مقوله ها در دسترس سیاستگذاران و یا برنامه ریزان فرهنگی است. برای نمونه به یک مقوله بسیار مهمی اشاره می کنم که ما کمتر به آن توجه کرده ایم و آن جهانی شدن است. زندگی در دنیای جهانی شده با غیر جهانی شده اساسا متفاوت است و این تفاوت به اندازه ریاضیات، هندسه مسطح و هندسه فضایی است. یعنی سه بعدی شدن زندگی در برابر دو بعدی شدن آن است. در نتیجه شما باید ببینید که عناصر تاثیرگذار فرهنگی در این جا چقدر رسانه ها هستند. در میان رسانه ها کدام بخش های آنها است. رسانه های صوتی و تصویری با مکتوب چه تفاوتی دارند؟ آن چیزی که در دنیای شبکه ای گفته می شود همه حاکی از این است که برای نیازها و سیاستگذاری های فرهنگی باید تعریف جدیدی ارائه شود. به این دلیل است که نمی توان زندگی دانشجویان خارج را یک دنیای بسته تلقی کرد، بلکه آنها در دنیای باز قرار دارند که با پرسش های

لحاظ مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و... راهنمایی شود تا بتواند در محیط جدید کمتر دچار آسیب شود.

به طور خلاصه مهمترین مشکلات فرهنگی دانشجویان خارج از کشور این است که سؤال های جدیدی هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل وجود دارد و پاسخ به این پرسش های جدید اهمیت فراوان دارد باید هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی و اجرایی به این پرسشها پاسخ مناسب داد و بخشی از این پاسخ ها بر عهده دولت و بخشی دیگر بر عهده نهادهای غیر دولتی است.

### متولی رسیدگی به مشکلات فرهنگی دانشجویان خارج اعم از بورسیه و غیر بورسیه کیست؟

ببینید از آنجایی که امر فرهنگ یک مقوله چند وجهی است و زمینه ها و آثار دراز مدت دارد در نتیجه تولید امر فرهنگی را نمی توان از جنس تولید سایر امور قابل لمس و مشاهده دانست. برای این که متولی فرهنگ یا عناصر موثر در عرصه فرهنگ را

ضرورت کار، تعریف شود بعد کمک‌ها انجام گیرد. چون هرکدام از این دستگاه‌ها به تنهایی نمی‌توانند این پشتیبانی را انجام دهد. بنابراین همه دستگاه‌ها باید دست در دست هم بدهند و آن چه را که در توان دارند، در راستای تامین نیازهای فرهنگی دانشجویان خارج انجام دهند.

مثلا اگر وزارت آموزش و پرورش مساله آموزش فرزندان دانشجویان را حل کند هم به گسترش زبان فارسی کمک کرده و هم یک مشکلی را رفع کرده است و یا اگر وزارت ارشاد بتواند که می‌تواند کتاب‌ها و دیگر محصولات فرهنگی را با تسهیلات خاصی در اختیار دانشجویان خارج قرار دهد، کمک بزرگی در رفع مشکل آن‌ها کرده است. مهم مهندسی کردن و مدیریت کار است که به نظر من در یک تعامل جدی بین خود دانشجویان و نمایندگان علمی است که باید به صورت یک برنامه ریزی منطقه‌ای به آن توجه کرد و حمایت و پشتیبانی آن‌ها از طریق معاونت فرهنگی وزارت علوم صورت بگیرد و اداره کل بورس بتواند از سایر قسمت‌ها کمک بگیرد.

**همان طوری که پیشتر گفتید نشست های فرهنگی مختلفی برای دانشجویان خارج برگزار شده است شما نقش این نشست های چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من خودم در حد امکان، سعی کرده‌ام در هر مناسبت علمی با خود دانشجویان از نزدیک گفتگو داشته باشم. نتایج این گفتگو را می‌توانم در چند بخش برای شما تشریح کنم. مساله اول این است که هر یک از ما به عنوان مسئول به این موضوع به صورت تبلیغ نگاه نمی‌کنیم و فکر هم نمی‌کنیم که مسایل دانشجویان با یک سخنرانی بتواند حل شود. بلکه هدف ما این است که مشکلات آن‌ها را در یابیم و راه حل آن‌ها را پیدا کنیم. بنابراین باید «هم نظری» به وجود بیاید و گفتگوهای چند طرفی می‌تواند به این هم نظری منجر شود. در نشست‌ها می‌توان مسایل را شکافت و فراتر از پیشداری‌ها و کلیشه‌ها به موضوع نگریست و از قضاوت‌های عجولانه نسبت به دانشجویان جلوگیری کرد. به عبارتی همین قضاوت‌های عجولانه است که دانشجویان را در رفاه و تنعم می‌بیند و به مشکلات اجتماعی آن‌ها کمتر توجه می‌کند.

به کاربردن لفظ «ایرانیان» و یا دانشجویان «داخلی» و «خارج» می‌تواند ما را از هم نظری و همدلی دور کند. من کارکرد اولیه این نشست‌ها را کمک به درونی

شدن مساله و انعکاس قوت و ضعف‌ها می‌دانم هم دوستان دانشجویی ما می‌توانند ببینند که دوستانشان در داخل چگونه می‌اندیشند، چه تلاش‌هایی برای رفع این مسایل می‌کنند و چه کمبودهایی دارند. به نظر من برون داد این گونه نشست‌ها باید شکل گرفتن نهادهای مدنی باشد. یعنی مشکلات قطعا فراتر از آن است که انتظار داشته باشیم به صورت متمرکز دولتی رفع شوند. یا این که بگویم بیان مشکل از دانشجویان و حل و فصل آن از دولت باشد شیوه خوبی نیست و با واقعیت سازگاری ندارد. اما وقتی که نهاد مدنی شکل می‌گیرد (این نهاد مدنی می‌تواند از دو یاسه دانشجوی در شهرهای دورافتاده و یا گروه‌های شبکه‌ای تشکیل شود) می‌تواند جمع‌ها را به خدمت بگیرد و برای رفع مشکلات خود و غلبه بر ضعف‌های تاریخی و فرهنگی مصمم تر شوند. دوستان دانشجوی بهتر از من می‌دانند که «فردی بودن» عوارض سنگینی دارد. مثلا چرا باید ایرانیان را از هندیها، مالزی‌ها، لبنانی‌ها و... تفکیک کنند؟ ممکن است ما احساس کنیم که هر چه تنها تر باشیم راحت تر هستیم. در حالی که این امر با ضرورت‌ها و واقعیت سازگاری ندارد. چگونه می‌توانیم عدم سازگاری را حل و فصل کنیم؟ این مدنی زیستن و مدنی کار کردن را می‌طلبند. در نتیجه هر چه دوستان می‌توانند باید جمع‌ها را برای خود به وجود بیاورند و این جمع‌ها را باید در ارتباط با نمایندگان علمی و سفارتخانه‌های ما قرار دهند. به نظر من در چنین صورتی نشست‌ها سودمندتر خواهد بود. همچنین می‌توان این نشست‌ها را به صورت نهادینه شده و فرهنگی تعریف کرد. یعنی وقتی انجمن‌های علمی فرهنگی و اسلامی شکل می‌گیرند آن موقع حلقه‌هایی که آن‌ها را به هم وصل می‌کند سودمندتر خواهد شد. پیوند دانشجویان را در درون مرزهای ملی کشور و به عبارتی هم طولی و هم عرضی را منسجم تر خواهد کرد. طولی و عرضی به این دلیل می‌گویم که بخشی از آن تخصصی ورشته‌ای، بخشی فرهنگی، بخشی داخل و خارج و.. می‌شود که یک نوع مدیریت و مهندسی کردن از دل آن نشست‌ها پدید می‌آید. البته تاجایی که من اطلاع دارم حرکت‌های خوبی در این زمینه آغاز شده است. ولی هنوز کافی نیست.

**زمینه‌های فرهنگی عدم مراجعت بعضی از دانشجویان بورسیه چیست؟**  
امروز این پدیده یک پدیده تک سببی نیست حتی می‌خواهم بگویم که مساله

خاص این دوران هم نیست. ممکن است در دوره‌های مختلف شدت و ضعف پیدا کرده باشد ولی یک مساله تاریخی است. می‌دانید که دوران جدید اعزام به خارج از کشور از زمان عباس میرزا شروع شده، از حتی میان ۵ نفر از دومین گروه اعزامی به خارج از کشور یک نفر به ایران بازنگشته است یا وقتی که در دوران رضا شاه سرپرستی دانشجویان بوجود می‌آید و اعزام‌های گسترده‌ای بالای صد نفر صورت می‌گیرد از تعداد ۱۹۳۵ نفر اعزامی در فاصله ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ حدود ۴۳۵ نفر بر می‌گردند یعنی این مساله در واقع یک پدیده تاریخی است، اگر الان هم خواسته باشیم بررسی کنیم که چرا چنین مساله‌ای وجود دارد من ترجیح می‌دهم که به زبان علمی آن را مورد بحث قرار دهیم و در این زمینه معاونت آموزشی - وزارت علوم طرحی انجام داده است که در آن، زمینه‌ها و دلایل مهاجرت نخبگان و وضعیت آن در جهان کنونی و نیز راه‌های موجود در برابر آن به خوبی آمده است به هر حال اگر بخواهم جواب سوال شما را در سطح کلان بدهم این است که دو عامل اجتماعی و فردی در این زمینه تاثیر به سزایی داشته و دارد. عامل اجتماعی این است که وقتی برای مبادله علمی و فرهنگی سامانه‌ای مناسب وجود نداشته و یا ضعیف باشد یعنی انتقال به جای مبادله بنشیند (مبادله علمی به نوزایی علمی منجر می‌شود اما انتقال مطلق، آن هم انتقال ناقص علمی، عوارض دارد که از جمله آن، ریزش است که نیروها یا بر نمی‌گردند و یا اگر برگردند در جای خود قرار نمی‌گیرند و...) می‌تواند به این پدیده دامن بزند.

مهمترین عامل فردی هم این است که احساس تعلق، مساله تعهد و احساس مسئولیت دینی و ملی، اطمینان خاطر و احساس امنیت شغلی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خوب تعریف و تبیین نشده است یعنی اگر فردی بیش از آن که به رستگاری جمعی فکر کند به نجات خود بیاندیشد، به فکر ساختن وطن خود نباشد و کمتر احساس تعهد و التزام اجتماعی بکند قطعا از این مساله تاثیر بیشتری می‌پذیرد. به طور کلی این دو عامل کلان خود می‌تواند در سطوح ریزتری خرد شود برای تقسیم بندی آن می‌توانید به همان تحقیق معاونت آموزشی مراجعه کنید.

از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.  
من نیز از شما ممنونم.

# دانش آموختگان دکتری نگران

## محل خدمت خود نباشند

نحوه تامین اعضای هیات علمی دانشگاهها و رفع مشکلات محل خدمت دانشجویان بورسیه و حتی غیر بورسیه از جمله وظایفی است که به عهده دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گذاشته شده است. برای آگاهی از عملکرد این دفتر با آقای دکتر محسن محمدزاده مدیر کل محترم آن به گفتگو نشستیم که مشروح آن را در زیر می خوانید:

**آقای دکتر همانطوری که اطلاع دارید یکی از شاخصهای مهم کیفی در آموزش عالی وضعیت اعضای هیات علمی در دانشگاهها است. به این صورت که باید نسبت تعداد هیات علمی به تعداد دانشجویان یک به هجده باشد همین طور باید حداقل ۶۰ درصد از اعضای هیات علمی شاغل در دانشگاهها در مرتبه استادیاری و بالاتر باشند. آیا در حال حاضر دانشگاههای کشور از لحاظ وضعیت اعضای هیات علمی به حد مطلوب رسیده اند؟ بطور کلی الان وضعیت اعضای هیات علمی در دانشگاههای کشور چگونه است؟**

○ در چند سال اخیر وزارت علوم برنامه ریزیهای لازم را برای بهبود شاخصهای مربوط به اعضای هیات علمی در دانشگاهها، انجام داده است، البته وضعیت این شاخصهای در دانشگاههای بزرگ و قدیمی و دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه متفاوت است. با توجه به اینکه دانشگاههای تازه تاسیس و در حال

توسعه از توان جذب دکتری برخوردارند سیاست وزارت علوم بر این بوده که از این گونه دانشگاهها در جهت تامین و تقویت اعضای هیات علمی حمایت بیشتری صورت بگیرد و در معرفی دانش آموختگان با مدارک دکتری این دانشگاهها را در اولویت قرار داده است. بعلاوه اعضای هیات علمی این دانشگاهها از امتیازات و تسهیلات ویژه ای نسبت به اعضای هیات علمی سایر دانشگاهها برخوردارند، بعنوان مثال اعضای هیات علمی این دانشگاهها از حقوق و مزایا، مسکن و تسهیلات وام بیشتری برخوردارند. این تفاوتها تا حدودی توانسته شرایطی را فراهم نماید تا درصد جذب اعضای هیات علمی آنها افزایش پیدا کند، و موجب بهبود شاخص تعداد عضو هیات علمی به تعداد دانشجویان و اصلاح هرم اعضای هیات علمی در این گونه دانشگاهها شود. در شرایط فعلی در اغلب دانشگاهها و در بعضی رشته های تحصیلی این شاخص ها در مقایسه با گذشته بطور قابل ملاحظه ای بهبود یافته و در وضعیت مطلوبی قرار دارند ولی در برخی از دانشگاهها بخصوص دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه این شاخص در بعضی رشته ها تا حد مورد انتظار فاصله دارد. انتظار می رود با توجه به اینکه تعداد قابل ملاحظه ای از دانشجویان دوره دکتری در این دانشگاهها جایابی شده اند، به علاوه شرایط ادامه تحصیل مربیان آنها فراهم گردیده است، در سالهای آتی وضعیت شاخص اعضای هیات علمی آنها نیز به حد مطلوب برسد.

یکی از شاخصهای سنجش، وضعیت اعضای هیات علمی دانشگاهها، نسبت تعداد اعضای هیات علمی به تعداد دانشجویان می باشد و عدد ۱۱۸ (به ازای هر ۱۸ دانشجو یک عضو هیات علمی) بعنوان عدد استاندارد و وضعیت مطلوب این شاخص در نظر گرفته شده است، در کدام یک از دانشگاهها در رشته های تحصیلی این عدد به دست آمده است؟

○ مقدار این شاخص در برخی از رشته دانشگاهها پایین تر از عدد استاندارد و در برخی از رشته ها استاندارد بالاتر از آن است. حتی ممکن است این شاخص در بعضی از دانشگاههای شهر تهران کمتر از این حد باشد در حالی که وضعیت همین رشته در دانشگاههای شهرستانی در حد مطلوب باشد و یا بالعکس بعنوان مثال مقدار این شاخص در دانشگاههای علامه طباطبایی و علم و صنعت ایران ۱۲۱ و در دانشگاه الزهرا (س) ۱۱۶ می باشد. همچنین مقدار این شاخص در دانشگاههای تربیت معلم سبزوار و علامه پایه دامغان ۱۲۵ و در دانشگاههای زنجان و سمنان ۱۱۸ می باشد. بنابراین مقدار این شاخص در دانشگاههای مختلف، متفاوت است. البته ما گزارشی در این باره تهیه کرده ایم که تک تک دانشگاهها را از نظر وضعیت اعضای هیات علمی مشخص کرده است. خوشبختانه با سیاستهای اتخاذ شده و برنامه ریزیهای بعمل آمده توسط وزارت علوم در چند سال اخیر متوسط این شاخص (نسبت به تعداد اعضای



هیات علمی به تعداد دانشجو) در کلیه

دانشگاههای تابعه وزارت به عدد ۱۲۰

رسیده که در مقایسه با گذشته بهبود قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است

### چه امکاناتی برای ادامه تحصیل مربیان دانشگاهها در اختیار آنها گذاشته می‌شود؟

○ آیین نامه‌های مختلفی در این زمینه تهیه و ابلاغ شده است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده مربیان دانشگاهها از سهمیه ۳۰ درصد ظرفیت دوره‌های دکتری

- استفاده از سهمیه ۵۰ درصد ظرفیت اضافی دوره‌های دکتری که در قالب یک قرارداد بین دانشگاه محل خدمت و دانشگاه محل تحصیل مربیان انجام می‌شود.

- استفاده از آیین نامه ادامه تحصیل در دانشگاههای داخل با استفاده از بورس تحصیلی. بر اساس این آیین نامه چنانچه مربی یک دانشگاه حداقل ۶۰ درصد امتیازات مندرج در آیین نامه ارتقاء را کسب نماید با معرفی دانشگاه محل خدمت و اخذ پذیرش از یکی از دانشگاههای مجری می‌تواند در دوره‌های دکتری ادامه تحصیل دهد

- ادامه تحصیل مربیان با استفاده از ماموریت تحصیلی و با هزینه شخصی در دانشگاههای خارج

### آیا نحوه تامین اعضای هیات علمی در دانشگاههای تازه تاسیس در حال توسعه با نحوه تامین هیات علمی در دانشگاههای قدیمی فرق می‌کند؟

○ نحوه جذب و تامین اعضای هیات علمی متفاوت نیست و در کلیه دانشگاهها یکسان است، ولی امکاناتی که برای دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه در نظر گرفته شده بیشتر است. بعنوان مثال در جایابی، دانش آموختگان بورسیه، دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه از اولویت بیشتری در مقایسه با سایر دانشگاهها برخوردار می‌باشند.

### اگر دانشجوی بورسیه برای ادامه تحصیل به خارج از کشور برود، پس از

### در کدامیک از گروه‌های تحصیلی تعداد اعضای هیات علمی در حد مطلوب است؟

○ با توجه به نیاز جامعه هنوز در تمام گروههای تحصیلی به جذب اعضای هیات علمی نیاز داریم.

### آیا در دانشگاههای قدیمی و با سابقه هم تعداد اعضای هیات علمی در حد انتظار نیست؟

○ به دلیل پدیده بازنشستگی اعضای هیات علمی قدیمی، در این دانشگاهها نیز نیاز به جذب عضو هیات علمی کماکان وجود دارد

### شیوه‌های جذب و تامین عضو هیات علمی در دانشگاهها چگونه است؟

○ برای تامین اعضای هیات علمی شیوه‌های مختلفی در نظر گرفته شده است: یکی از این راهها بورسیه کردن دانشجویان دوره‌های دکتری است. راه دوم جذب دانش آموختگان دانشگاههای داخل و خارج است. راه سوم اعطای سهمیه‌های بورسیه به دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه است این دانشگاهها می‌توانند در رشته‌هایی که از سوی شورای گسترش آموزش عالی تایید شده برای جذب و تامین عضو هیات علمی، دانشجویان شاغل به تحصیل در دوره دکتری را بورسیه کنند. راه چهارم، جذب اعضای هیات علمی با استفاده از قانون نحوه تامین هیات علمی دانشگاهها (طرح سربازی) است که معمولاً آن دسته از اعضای هیات علمی جذب شده از این روش که دارای سوابق آموزش و پژوهش مطلوب باشند پس از پایان طرح سربازی و تعهدات مربوطه در همان دانشگاه یا دانشگاه دیگری

### بازگشت چگونه محل خدمت وی

تعیین و مشغول به کار می‌شود؟

○ اگر آن دانشجو بورسیه دانشگاه خاصی باشد که قبلاً برای آن دانشگاه جایابی گردیده و دانشگاه مورد نظر هم کماکان به تخصص وی نیاز داشته باشد بلافاصله در همان دانشگاه مشغول به کار می‌شود، اما در مواردی هم که دانشگاه تعیین شده برای خدمت پس از فراغت از تحصیل دانشجو، عدم نیاز خود به تخصص وی را اعلام می‌نماید و حاضر به پذیرش آن فرد نباشد در این حالت وزارت علوم (دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی) اقدامهای لازم را بعمل می‌آورد تا در دانشگاه دیگری که به تخصص وی نیاز باشد مشغول به کار شود.

### پس همه دانشجویان بورسیه بعد

از فراغت از تحصیل جذب می‌شوند و

نباید نگران اشتغال بکار خود باشند؟

○ دانشجویانی که در حین تحصیل در دانشگاهی جایابی شده باشند بلافاصله پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمت خواهند شد و برای سایرین نیز ما تلاش خود را خواهیم کرد تا در اسرع وقت محل خدمت آنها تعیین شده و مشغول به کار شوند.



این اعلام نیاز در دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. اگر اطلاعات موجود در دفتر و کار کارشناسی بیانگر آن باشد که در رشته مورد نظر جذب عضو هیات علمی با مدرک کارشناسی ارشد برای دانشگاه متقاضی ضروری است و با توجه به تعداد دانشجویان دکتری در آن رشته جذب هیات علمی با مدرک دکتری بزودی مقدور نباشد و بعلاوه فرد مورد نظر نیز از سوابق تحصیلی مطلوبی برخوردار باشد مجوز جذب مربی برای دانشگاه صادر می‌شود.

با توجه به این که هدف از جذب و تامین اعضای هیات علمی ارتقاء و بهبود وضعیت علمی دانشگاه‌ها است الان وضعیت علمی دانشگاهها در چه سطحی است؟

در چند سال اخیر جذب اعضای هیات علمی رشد چشمگیر و مناسبی داشته و وضعیت علمی در اغلب دانشگاهها در سطح بسیار خوبی است و شاهد آن این است که دانش آموختگان دانشگاههای داخل به راحتی قادر هستند از بهترین دانشگاههای خارج کشور برای ادامه تحصیل پذیرش اخذ نمایند و دوره‌های عالی رانیز با موفقیت بگذرانند. تعداد طرح‌های پژوهشی و انتشار مقالات علمی در مجلات معتبر

جذب مربی بعنوان عضو هیات علمی ممنوع شد. البته این ممنوعیت به این معنا نیست که به هیچ وجه دانشگاهی حق استخدام مربی را ندارد. بلکه به رشته و میزان نیاز دانشگاه بستگی دارد در این مورد ذکر این نکته ضروری است که از سال ۷۹ که بخشنامه مربوط به منع استخدام مربیان در دانشگاهها صادر گردیده تا کنون تعدادی مجوز به دانشگاهها به خصوص دانشگاههای تازه تاسیس برای استخدام مربی صادر گردیده است البته این مجوزها صرفاً بر اساس نیاز دانشگاهها و ارائه دلایل توجیهی جذب مربی، و برای رشته‌ها و دانشگاهها یی بوده است که امکان جذب هیات علمی با مدرک دکتری مقدور نبوده است.

قبلا اشاره کردید که دانشگاهها بخصوص دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه می‌توانند در بعضی از رشته‌ها عضو هیات علمی با مدرک کارشناسی ارشد جذب کنند، نیاز در این رشته‌ها توسط چه نهادی و یا چه کسی مشخص می‌شود؟

دانشگاهها نیاز و ضرورت جذب عضو هیات علمی در مرتبه مربی را همراه با وضعیت آموزشی و پژوهشی فرد مورد نظر را به حوزه معاونت آموزشی وزارت علوم اعلام می‌کنند،

این اسرع وقت چقدر طول می‌کشد؟

برای آن نمی‌توان زمانی را مشخص کرد. ولی می‌توان گفت تلاش ما بر این است که در اولین فرصت مشکل آنها را رفع کنیم، چون میزان همکاری خود دانشجو و کیفیت آموزشی و پژوهشی دوران تحصیل دانشجو نیز در فرآیند جذب شان موثر است. معمولاً دانشگاههای تازه تاسیس و در حال توسعه خیلی سریعتر به این موضوع رسیدگی می‌کنند.

چرا جذب اعضای هیات علمی با مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاهها بخصوص دانشگاههای شهر تهران ممنوع شده است؟

برای ارتقاء کیفیت دانشگاهها سعی شده تا هرم اعضای هیات علمی دانشگاهها بهبود یابد. و در این رابطه قابل ذکر است که وضعیت هرم اعضای هیات علمی در چند سال گذشته بطور متوسط در کلیه دانشگاهها بصورت ۶۰ درصد مربی و ۴۰ درصد استادیار به بالا بود ولی در حال حاضر با اتخاذ سیاستهای جدید وزارت علوم این وضعیت به صورت ۴۸ درصد مربی و ۵۲ درصد استادیار به بالا بهبود یافته است. برای رسیدن به این هدف و بهبود هرم اعضای هیات علمی دانشگاهها

علمی بین المللی و شرکت در مجامع علمی در مقایسه با گذشته رشد بسیار زیادی داشته است کیفیت دوره‌های تحصیلات تکمیلی علی‌الخصوص دوره‌های دکتری به گونه‌ای است که اغلب دانشجویان در حین تحصیل از سوی دانشگاه‌های مختلف دعوت به همکاری و اعطای بورس می‌شوند این‌ها همه برخی از مواردی است که می‌تواند بیانگر ارتقاء کیفی دانشگاه‌های داخل کشور باشد.

**اما در جامعه دانشگاهی از وضعیت علمی دانشگاه‌ها رضایتی مشاهده نمی‌شود.**

○ همانطوری که قبلاً گفته شد در برخی از رشته‌ها محل‌ها اگر شاخص نسبت تعداد اعضای هیات علمی به تعداد دانشجو کم باشد و یا امکانات کمک آموزشی در حد کافی وجود نداشته باشد طبیعتاً در کیفیت دوره‌ها موثر خواهد بود. البته وزارت علوم با نظارت و ارزیابی که از دانشگاه‌ها بعمل می‌آورد برنامه ریزی لازم را برای ارتقاء کیفی فعالیتهای آموزشی و پژوهشی آنها بعمل آورده است.

الان سیاست وزارت علوم بر این است که از میزان اعزام دانشجو به خارج کاسته شود ولی تعداد دانشجویان دوره دکتری داخل افزایش یابد. آیا فکر می‌کنید که دانشگاه‌های

**داخل این ظرفیت و توانایی را برای تربیت اعضای هیات علمی مورد نیاز دارند؟**

○ به طور کلی از نظر کیفی دوره‌های دکتری داخل و دانش‌آموختگان آنها انتظار می‌رود امکان تربیت اعضای هیات علمی به میزان قابل توجهی در داخل کشور فراهم باشد و نیاز ما به اعزام دانشجو به خارج در آینده کمتر شود، ولی این مطلب به معنای قطع ارتباط علمی ما با جهان خارج نیست. خوشبختانه با اعطای فرصت مطالعاتی به دانشجویان دوره‌های دکتری، آنان می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و ارتباط علمی با خارج از کشور را تقویت نمایند، در نتیجه کیفیت علمی در داخل کشور نیز رشد خواهد کرد.

**یکی از مشکلات موجود مربوط به جذب و بکارگیری دانش‌آموختگانی است که بعضاً دارای مدرک دکتری بوده و ضمناً مشمول خدمت سربازی نیز هستند. این مشکل چگونه رفع می‌شود؟**

○ دانش‌آموختگان مشمول خدمت سربازی در صورت جذب در دانشگاه‌ها بعنوان عضو هیات علمی می‌توانند از طرح سربازی اعضای هیات علمی استفاده کرده و خدمت

سربازی خود را در دانشگاه‌ها طی کنند، ولی این امر مشروط به این است که از تاریخ فراغت از تحصیل آنها بیش از یکسال نگذشته باشد و در این مدت از دانشگاهی اعلام نیاز کسب نمایند. بعبارت دیگر دانش‌آموختگان مشمول طرح خدمت سربازی می‌توانند حداکثر یکسال پس از فراغت از تحصیل از یکی از دانشگاه‌های داخل اعلام نیاز کسب کنند و از سهمیه‌هایی که ستاد مشترک نیروهای مسلح در اختیار وزارت علوم قرار می‌دهد، استفاده نمایند و دوران خدمت ضرورت را در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی و حتی موسسات آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی بعنوان عضو هیات علمی بگذرانند فقط لازم است در اولین تابستان دوره آموزش نظامی را انجام دهند. بعلاوه مدت زمانی را که مشمولین در دانشگاه‌ها بعنوان هیات علمی خدمت می‌کنند در سوابق فعالیت‌های آموزشی آنها نیز منظور می‌گردد.

از این که فرصتی برای انجام این مصاحبه در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم. ○ من نیز برای شما و همه دانشجویان عزیز آرزوی پیروزی و موفقیت دارم.

## انتشار دستورالعمل راهنمای استفاده از فرصت شش ماهه تحقیقاتی

اعزام دانشجو، اقدامات دانشگاه‌ها و اداره کل بورس، شرایط اخذ پذیرش تحصیلی، توالی و مراحل دوره کوتاه مدت تحقیقاتی، و... از ابتدا تا انتهای مراحل درج شده است. علاقه‌مندان برای تهیه آن می‌توانند به مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی معاونت دانشجویی وزارت علوم واقع در میدان تختی، خیابان عباس‌آباد مراجعه کنند.

**دستورالعمل راهنمای استفاده از فرصت کوتاه مدت تحقیقاتی (شش ماهه) دانشجویان دکتری داخل منتشر شد.** به گزارش خبرنگار نمود، این دستورالعمل به صورت یک دفترچه در ۴۴ صفحه از سوی اداره کل بورس و امور دانشجویان خارج منتشر شده است، که در آن آیین‌نامه مربوط به استفاده از این فرصت، گردش کار، نحوه معرفی و

# سن و معدل، شرط اصلی صدور اعلام نیاز

دانشگاه‌ها در هنگام صدور اعلام نیاز به شرایط متقاضی استفاده از بورس دقت زیادی به خرج دهند. رییس اداره بورس داخل با بیان این مطلب گفت: دانشگاه‌ها در هنگام صدور اعلام نیاز به دانشجویان متقاضی بورس، باید به شرایط استفاده از بورس مندرج در دستورالعمل مورخ ۷۷/۱۰/۲۸ توجه نمایند. براساس این دستورالعمل دانشجو هنگام شرکت در آزمون دوره دکتری می‌بایست زیر ۳۳ سال سن داشته باشد و علاوه بر آن باید معدل کارشناسی و کارشناسی ارشد او به ترتیب بالای ۱۴ و ۱۶ باشد.

## سقف این خانه چه کوتاهست؟!

قرار گرفت، توسط شورای محترم نخبگان با دلایلی چون خلاف شرع و تداخل وظایف شورای انقلاب فرهنگی رد شد. در حالی که اگر انصاف به خرج داده می‌شد این دانشگاه آزاد است که با وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی تداخل دارد و نه وزارت علوم.

به هر حال کنار رفتن دکتر معین و سپردن سمت جدید وزارت به هر کسی،... افق‌های نه‌چندان روشنی را نشان می‌دهد و حکایت از آن دارد که وزیر جدید علوم در صورت با مشکلات و دشواری فراوانی رو برو خواهد شد. چنان که کارشناسان امور آموزش در موفقیت او شک و تردید دارند و این سوال را می‌پرسند که وزیر جدید چگونه خواهد توانست راه سنگلاخی را طی کند که دکتر معین با آن همه تجارب و دید وسیع نتوانست از این راه پرفراز و نشیب عبور کند.

نمود برای وزیر جدید علوم از خداوند موفقیت طلب می‌کند و آرزو دارد که او بتواند همزمان با تحولات دنیا در زمینه‌های علمی و تکنولوژی تغییراتی در نظام آموزش کشور پدیدآورد. و نگذارد سقف کوتاه خانه وزارت علوم با یک خنده فرو بریزد!

براساس قانون اساسی متولی اصلی آموزش، تحقیقات و فناوری در کشور وزارت علوم است. اما برخی از نهادهای فراقانونی با نادیده گرفتن این قانون و دیگر قوانین صریح آموزشی آشکارا به دخالت در امور آموزش پرداخته و می‌پردازند به طوری که اعمال نظرهای غیر معقول چنان شدت گرفت که دکتر معین وزیر علوم را به استعفا واداشت. اگر چه استعفای دکتر معین در نظر برخی از ساده‌اندیشان یک امر عادی به نظر می‌آید، ولی استعفای وی اعتراض خاموش اما بلند به حرمت شکنی‌ها و بی‌احترامی‌ها نسبت به قشر دانشجو و دانشگاهی بود، زیرا برای دکتر معین هرگز قابل تحمل نبود که ببیند و بشنود که چگونه عده‌ای، قداست علم و دانش را زیر پا گذاشته و می‌گذارند و سعی می‌کنند تا راه‌های توسعه گسترش آگاهی و دانایی در جامعه را مسدود کنند.

حتی دکتر معین برای این که دین خود را بهتر نسبت به دانشگاه و دانشجو ادا کند، لایحه ساختاری وزارت علوم را به هیات دولت تقدیم کرد تا از این طریق بتواند تا حدودی حرمت علم و دانش را در جامعه تضمین کند. ولی این لایحه پس از این که از سوی مجلس شورای اسلامی مورد تصویب

## اخبار کوتاه اخبار کوتاه اخبار کوتاه

به گزارش خبرنگار نمود، باتوجه به مشکلاتی که در خصوص مدت مهلت بورس دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور به وجود آمده است شورای مرکزی بورس تصویب نمود که با تایید سرپرستی دانشجویان در کشورهای مربوط مهلت بورس حداکثر تا مدت تعیین شده تمدید گردد.

## تعیین سقف مدت بورس دانشجویان خارج

سقف تمدید مهلت بورس از سوی شورای مرکزی بورس تعیین شد.

## اعطای بورس تحصیلی به اعضای هیات علمی پیمانی دانشگاهها

اعضای هیات علمی پیمانی دانشگاهها می توانند از بورس تحصیلی استفاده کنند.

معاون آموزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری طی نامه ای اعلام کرد به استناد تبصره ماده ۵ طرح تقویت دانشگاهها موسسات آموزش عالی و پژوهشی تازه تاسیس و در حال توسعه اعضای هیات علمی دانشگاههای مذکور در صورت موافقت هیات امنای دانشگاه متبوع خود، می توانند در وضعیت پیمانی از بورس تحصیلی برخوردار شوند.

## مقرری کلیه هزینه های دانشجویان بورسیه و اریز شد

مقرری و کلیه هزینه های شش ماهه اول سال ۸۲ دانشجویان بورسیه به حساب دانشگاههای محل خدمت آنان و اریز شده است.

خانم سید صالحی رییس اداره بورس داخل با اعلام این خبر گفت مقرری و کلیه هزینه های (بیمه، کتاب، مسکن، پایان نامه) شش ماهه اول سال ۸۲ دانشجویان بورسیه به حساب دانشگاههای محل خدمت آنان و اریز گردیده و با ابلاغ اعتبار شماره ۷۲/۴۰۶۳ مورخ ۸۲/۵/۱۲ از حساب و مدیر کل امور مالی وزارت متبوع دانشجویان بورسیه جهت دریافت هزینه ای فوق می توانند با دانشگاه محل خدمت خود تماس حاصل نمایند.

## نحوه ارایه تسهیلات به دانشجویان پذیرفته شده به شرط بورس

اداره بورس داخل درباره پذیرش دانشجو به شرط بورس اطلاعیه ای صادر کرد.

خانم سید صالحی در این باره گفت: چنانچه کلیه

دانشگاههای مجری دوره دکتری پذیرش دانشجو را منوط به شرط بورس نمایند و دانشگاههای بورس دهنده پذیرفته شدگان فوق را بورسیه نمایند اداره کل بورس و امور دانشجویان خارج هیچ گونه تعهدی در برابر اعطای بورس و پرداخت هزینه تحصیلی این دانشجویان ندارد. در صورتی که دانشگاه مجری اعلام نماید دانشجو پذیرفته شده قطعی می باشد و ارائه گواهی اشتغال به تحصیل با قید دقیق تاریخ شروع و اعلام نیاز و سایر مدارک مورد نیاز که قبلا اعلام شده ارایه نمایند اعطای بورس به دانشجویان قابل بررسی خواهد بود.

## عدم شرکت مجدد متقاضیان تبدیل خارج به داخل در آزمون دوره دکتری

متقاضیان تبدیل خارج به داخل جهت ادامه تحصیل نیازی به شرکت در آزمون مجدد دوره دکتری ندارند.

وزارت علوم طی ابلاغیه هایی به شماره ۲۷/۲۱۷۳۰ مورخ ۸۰/۱۰/۴ و شماره ۱/۶۳۲۶ و مورخ ۸۲/۵/۱۹ از تمامی دانشگاههای مجری دوره دکتری درخواست نموده است تا بورسیه های متقاضی تبدیل خارج به داخل را بدون الزام به شرکت در آزمون دوره های پذیرش نمایند.

## چگونگی اعطای تسهیلات به اعضای هیات علمی دانشگاه ها

چگونگی اعطای تسهیلات به اعضای هیات علمی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی تصویب شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، به منظور حمایت و پشتیبانی از نیازهای معیشتی و علمی اعضای هیات علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان، آموزش پزشکی، صندوق های غیر دولتی رفاه تشکیل می شود.

به گزارش ایرنا، هیات وزیران با اتخاذ این تصمیم در

قالب آیین نامه تسهیلات اعضای هیات علمی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی، شرکت ها و دستگاه های تامین کننده خدمات آب و برق، گاز و تلفن را موظف کرده که حق انشعاب خدمات مذکور را برای یک واحد مسکونی متعلق به عضو هیات علمی مشمول آیین نامه و یا مجموعه مسکونی اعضای هیات علمی را به صورت خارج از نوبت و طی اقساط حداکثر سه ساله تامین کنند.

براساس این آیین نامه اعضای هیات علمی جهت انجام مسافرت های علمی و پژوهشی به خارج از کشور می توانند از تخفیف ۵۰ درصدی بلیط هواپیما استفاده کنند، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور باید اعتبار لازم را در ردیف های مربوط در بودجه های سنواتی پیش بینی کند.

همچنین فوق العاده شغل اعضای که علاوه بر وظایف مندرج در آیین نامه استخدامی اعضای هیات علمی و حداقل های مندرج در آیین نامه ترفیع بیشترین حضور را در محل کار خود داشته باشند، افزایش می باید حداکثر افرادی که از این ماده استفاده می کنند ۴۰ درصد اعضای هیات علمی

دانشگاه ها خواهد بود.

براساس ماده دیگری از این آیین نامه اعضای هیات علمی مشمول این آیین نامه می توانند برای خرید یک دستگاه خودرو از تولیدات داخلی معادل ۷۰ درصد قیمت خودرو حداکثر ۱۰۰ میلیون ریال تسهیلات دراز مدت و با ۵۰ درصد نرخ سود بخش صنعت از بانک های کشور وام دریافت کنند. بدیهی است که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعتبار ۵۰ درصد باقی مانده نرخ سود تسهیلات بانکی پرداختی را در بودجه سالانه پیش بینی خواهد کرد.

گفتنی است عضو هیات علمی به کسی اطلاق می شود که مطابق قوانین و مقررات مصوب در کادر آموزشی و پژوهشی یکی از دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی و مراکز تحقیقاتی مصوب شورای گسترش آموزش عالی وزارت خانه های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی به صورت رسمی قطعی، رسمی آزمایشی و یا پیمانی استخدام شده و با حداقل رتبه استادیاری مشغول به خدمت باشد.

## اطلاعیه

### به اطلاع می رساند:

به کلیه دانشگاه های تازه تاسیس و در حال توسعه ذیل ابلاغ گردیده است که از تاریخ ۸۲/۷/۱ صدور هر گونه اعلام نیاز جهت بورس نمودن دانشجویان پذیرفته شده در مقطع دکتری در رشته های مختلف بدون هماهنگی و تعیین سهمیه از سوی دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی وزارت متبوع امکان پذیر نمی باشد.

### دانشگاه های در حال توسعه:

سیستان و بلوچستان- رازی- شهرکرد- کاشان- سمنان- لرستان- زنجان- بیرجند- تربیت معلم آذربایجان- خلیج فارس بوشهر- شاهرود- اراک- کردستان- ایلام- یاسوج- علوم پایه دامغان- ولی عصر (عج) رفسنجان- هرمزگان- محقق اردبیلی تربیت معلم سبزوار- زابل- پیام نور.